تحلیلی بر ۳ سال جنگ نابرابر سعودی‌ها در یمن

ویرانی کاخ خیالات بن‌سلمان در جنگ ۱۰۰۰ روزه یمن

سید محمد امین‌آبادی

اشاره

جنگ یمن هفته گذشته، هزارمین روز خود را نیز پشت سر گذاشت. سعودی‌ها در آغاز این جنگ نابرابر وعده دو هفته‌ای برای نابود کردن «انصارالله» و بازگرداندن «عبدربه منصور هادی» به قدرت را داده بودند، اما با گذشت بیش از دو سال از این جنگ خانمان‌سوز، به جرأت می توان گفت سعودی‌ها غیر از کشتار هزاران زن و کودک یمنی و نابودی زیرساخت‌های یمن و زیر پا گذاشتن همه اصول اخلاقی و شرافت انسانی، هیچ دستاوردی نداشته‌اند و در مقابل، این موشک‌های یمنی بوده است که با تغییر معادلات جنگ، نبرد را به ریاض و قصر پادشاهی سعودی کشانده‌اند. امروز که بیش از ۱۰۰۰ روز از جنگ یمن می گذرد، یک چیز برای همگان روشن شده و آن این است که رژیم آل‌سعود، برنده این جنگ نخواهد بود، وحتی احتمال شکست کامل عربستان هر روز بیشتر از قبل قوت می گیرد.

ائتلاف شیاطین

بامداد پنج‌شنبه(۶ فروردین ۹۴) سفیر عربستان در آمریکا از آغاز عملیات «توفان قاطع» برای جنگ علیه یمن خبر داد. فرمان حمله را نیمه شب ۲۴ فروردین «محمد بن سلمان» ولیعهد کنونی و وزیر دفاع وقت عربستان صادر کرد و قول داد که ظرف دو هفته کار را یکسره کند. نکته بسیار عجیبی که با شروع جنگ یمن ذهن تحلیلگران را به خود مشغول کرد این بود که این جنگ با اجماع معنی‌دار و یک ائتلاف طبیعی بین آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و حتی گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده آغاز شده بود. حمله به یمن با چراغ سبز جناح غربی شورای امنیت انجام شد و این تجاوز نظامی دو روز بعد از پایان سفر «فیلیپ هامون» وزیر خارجه وقت انگلیس به ریاض آغاز شد. وی آخرین مقام غربی بود که با مسئولان سعودی پیش از حمله به یمن دیدار کرده بود. مقامات آمریکایی اعلام کردند که واشنگتن در جریان این حمله بوده و با عربستان همکاری اطلاعاتی و لجستیکی داشته است. «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز در یک تماس تلفنی با پادشاه عربستان، از تجاوز هوایی این کشور به یمن حمایت کرد.«دیوید کامرون» نخست‌وزیر اسبق انگلیس، نیز در تماس تلفنی با «ملک سلمان» تأکید کرد: «انگلیس تمامی آنچه در توان دارد را برای حمایت از عربستان انجام خواهد داد». یک مقام آمریکایی نیز اعلام کرد که این کشور، اهدای هواپیماهای سوخت‌رسان و ردیاب به عربستان برای شرکت در حملات هوایی علیه یمن را بررسی می‌کند. دیپلمات‌های فرانسوی آمریکایی و انگلیسی در کنار دیپلمات‌های عرب نیز در سازمان ملل به شدت مشغول رایزنی‌های دیپلماتیک بودند تا در کنار حمله نظامی به یمن با وضع قطعنامه، تحریم اقتصادی و تسلیحاتی فشارها به ملت مبارز یمن را تشدید کنند.

در کنار اروپا، آمریکا، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج‌فارس، گروه‌های تروریستی متحد القاعده و داعش نیز از حامیان این جنگ بودند.گروه تروریستی تکفیری موسوم به «جیش الاسلام» در صفحه اختصاصی خود در پایگاه اجتماعی توییتر همان زمان اعلام کرد: «در حمله به یمن در کنار عربستان قرار داریم». «زهران علوش» سرکرده این گروه تروریستی اعلام کرد، ۵۰۰۰ جنگجو به یمن برای جنگ با حوثی‌ها اعزام کرده است. این گروه تروریستی تکفیری تاکید کرد اعزام این تعداد تروریست به یمن به درخواست رسمی عربستان صورت گرفته است. «حسن زید» دبیرکل حزب «الحق» یمن نیز گفت، نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی در این تجاوز نظامی به یمن شرکت دارد. حسن زید در صفحه فیسبوک خود نوشت: «این اولین بار است که یهودی‌های صهیونیست در ائتلافی مشترک با عرب‌ها، عملیاتی مشترک اجرا می‌کنند. از طرف دیگر تجاوز نظامی عربستان به یمن چند هفته پس از آن صورت گرفت که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، طی سخنانی در مراسم معرفی «گادی آیزنکوت» به عنوان رئیس‌ستاد مشترک ارتش این رژیم، از اینکه حوثی‌ها بر باب‌المندب تسلط پیدا کنند ابراز نگرانی کرده و در واقع یکی از ماموریت‌های رئیس جدید ستاد مشترک را مقابله با آن اعلام کرده بود. روزنامه عبری زبان «یلی» نیز به نقل از «امیر ایشیل» فرمانده نیروی هوایی رژیم صهیونیستی فاش کرد که «یک اسکادران از جنگنده‌های اسرائیلی به کشورهای عربی برای سیطره بر یمن کمک کرده و به اهدافی در این کشور عربی حمله می‌کنند.» براساس برخی گزارش‌های درز کرده از منابع اطلاعاتی منطقه نیز پیش از حمله نظامی به یمن، کارشناسان نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی مدلی جامع از چگونگی حمله و حواشی آن را از طریق «سعود الفیصل» به عربستان منتقل کرده بودند. در مدل رژیم صهیونیستی، به ضعف مفرط ارتش آل‌سعود اشاره و رویارویی ارتش سعودی با حوثی‌ها در سال ۲۰۰۹ مورد تحلیل قرار گرفته بود. در آن نبرد شکست سنگینی را عربستان متحمل شده بود. بر همین اساس، پیشنهاد شد که از ارتش های منطقه که با عربستان نزدیک هستند، از جمله مصر، پاکستان و اردن، در این حمله مشارکت داشته باشند.

چرایی حمله به یمن

مقامات سعودی در شروع این جنگ بی‌حاصل اهداف زیر را برای آن اعلام کرده بودند:

۱- عربستان و ائتلاف تحت امر آن، بنا به درخواست «منصور هادی» رئیس‌جمهور مستعفی و متواری یمن، تصمیم به مقابله با حوثی‌ها و بازگرداندن این رئیس‌جمهور قانونی!! به قدرت گرفته‌اند.

۲- هدف از حمله، نجات مردم یمن از دست گروه انصارالله است.

۳- هدف از حمله، تامین ثبات و امنیت در مرزهای جنوبی عربستان است که توسط انصارالله به مخاطره افتاده است.

سعودی‌ها طی دو سال گذشته علیرغم زیر پا گذاشتن تمامی اصول اخلاقی و شرافت انسانی هیچ دستاوردی غیر از کشتار زنان و کودکان یمنی نداشته‌اند.

***

گاردین: « نابودی زیرساخت‌های یمن توسط بمب‌افکن‌های عربستان، بدان معنا است که ۱۴/۵ میلیون نفر از جمعیت این کشور که ۸ میلیون تن از آنها کودکان هستند، به آب تمیز و بهداشتی دسترسی ندارند.

۴- یمن به‌اشغال نظامی ایران! درآمده و ائتلاف تحت رهبری عربستان مجبور است که مداخله نظامی کند.

اما بلافاصله تحلیلگران مسائل منطقه سؤالات متعددی را پیش روی عربستان و ائتلاف تحت رهبری او قرار دادند؛ اگر هدف از این تجاوز نجات مردم یمن است چرا عربستان در موارد مشابه برای نجات سایر ملت‌های عرب منطقه ازاشغال نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در عراق، لبنان، فلسطین و سوریه دست به کارنشده و نمی‌شود ؟ چرا عربستان برای رهایی فلسطین که بیش از ۶۰ سال است تحت اشغال نظامی رژیم اسرائیل قرار دارد، دست به تشکیل ائتلاف و حمله به سرزمین‌های‌اشغالی نمی‌زند؟ اگر عربستان واقعا از عملیات نظامی در یمن حسن نیت دارد، چرا در مورد حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه و کشتار صدها زن و کودک مظلوم فلسطینی دست به چنین اقدام قاطعی نزد؟ اگر کشورهای عربی توانایی گردهم آمدن و حمایت از اعراب را دارند چرا برای حمایت از ملت فلسطین که هم عرب است و هم سنی، وارد عمل نمی‌شوند؟ اگر «عبد ربه منصورهادی» رئیس‌جمهور مشروع و مورد حمایت مردم یمن است پس چرا هیچ کس در یمن حاضر نیست از او حمایت کند و او مدام در حال فرار است؟

نیات واقعی

اما جدای از اهدافی که عربستان برای حمله به یمن ذکر کرده و می‌کند؛ بسیاری از تحلیلگران معتقدند نیت واقعی عربستان از این لشکر کشی اهداف دیگری بوده است.به طور خلاصه می‌توان اهداف زیر را از رصد مجموع مقالات و گزارش‌هایی که در این زمینه منتشر شده بیان کرد؛

۱- در بعد منطقه‌ای، شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل حمله به یمن را استیصال عربستان در مقابل جبهه مقاومت و رسیدن گفتمان مقاومت به یک منزلت هژمونیک در سطح منطقه دانست. بر اساس این تحلیل ایران کنترل چهار پایتخت اصلی منطقه یعنی بیروت، دمشق، بغداد و صنعا را به دست گرفته است و به همین دلیل باید هرچه سریعتر اقدامی صورت می‌گرفت تا مانع از گسترش نفوذ ایران شود. جنگ یمن نیز از این منظر و به عنوان جنگ نیابتی بین ایران و عربستان تحلیل می‌شود. «نشنال اینترست» در یادداشتی در این رابطه تصریح می‌کند: «در حالی‌که مهم‌ترین نگرانی سیاست خارجی برای عربستان سعودی، ایران است، اما ریاض حتی در لیست نگرانی‌های مهم ایران وجود ندارد. ایران به عربستان سعودی بی‌اعتنا است. اهمیت استراتژیک یمن برای تهران، کم است اما اهمیت بالای یمن برای عربستان سعودی، سبب می‌شود که این کشور تبدیل به یک روش کم‌هزینه برای فرو کردن انگشت در چشمان ریاض بشود» هم اینک در عراق، بحرین، سوریه، لبنان و فلسطین این تنها گفتمان مقاومت است که توانسته عزت و اعتبار را برای امت اسلامی پس از چند دهه تحقیر در مقال پیروز و به عنوان یک جنگاور معرفی شود، می‌تواند وجهه خود در میان آل‌سعود و میان مردم عربستان را تقویت کرده «محمد بن نایف» ولیعهد را کنار بزند و بدین ترتیب، انتقال سیاسی آرامی در عربستان انجام پذیرد. بر اساس این تحلیل، شکست در جنگ یمن یکی از دلایل اصلی جابه جایی سریع قدرت و برکناری نایف و بازداشت وی و ده‌ها شاهزاده و مقام عالیرتبه سعودی بوده است.

۳- برخی توهم سعودی‌ها را دلیل آغاز جنگ یمن می‌دانند. طبق این نگاه، آمریکا در پرتو رویکرد پاسیفیک‌گرایی، غرب آسیا را رها کرده و به سراغ شرق آسیا رفته است. لذا سعودی‌ها به دنبال استفاده از این فرصت و پر کردن این خلاء با یک سیاست خارجی تهاجمی و ماجراجویانه خود بودند و یمن مکان خوبی برای آزمون و بسط سیاست خارجی جدید عربستان بود. غافل از اینکه رسیدن به جایگاه هژمونیک در منطقه، الزاماتی دارد که سعودی‌ها بسیاری از این الزامات را ندارند.

۴- برخی از کارشناسان ترکیبی از ترس، عصبانیت و جاه‌طلبی را در زمره علل حمله عربستان به یمن عنوان کرده و می‌گویند «سعودی‌ها نسبت به ظهور هر دولتی در یمن که تحت کنترل آنها نباشد، بدگمان هستند، به ویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی ایفا کنند. ترس آنها از این است که مبادا دست یافتن شیعیان یمن به چنین توفیقی، منجر به آن شود که جمعیت شیعه عربستان نیز سهم سیاسی بیشتری را مطالبه کنند. علاوه‌بر این، سعودی‌ها همواره نسبت به ایران و نقش آن در منطقه بدگمان بوده و فکر می‌کنند که پررنگ‌تر شدن نقش شیعیان در دولت یمن، به افزایش نفوذ ایران در این کشور دامن می‌زند.

۵- برخی نیز جاه‌طلبی سعودی‌ها را دلیل اصلی جنگ یمن عنوان کرده و می‌گویند: «دولت پادشاهی عربستان همواره توسعه‌طلب بوده و با قرار دادن خود در جایگاه رهبری جهان عرب، خواهان کنترل خلیج‌فارس و دریای سرخ است. این بخش از سیاست عربستان، به سال‌های دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد. کنترل بر دریای سرخ نیز بدون تحت سلطه گرفتن یمن، امکان‌پذیر نیست.

۶- برخی ژئوپلوتیک را دلیل اصلی حمله آل‌سعود به یمن می‌دانند. از این منظر، عربستان دچار یک تنگنای ژئوپلوتیکی و تصرف یمن یا تجزیه آن، می‌تواند این تنگنا را حل کند. عربستان از یک طرف با خلیج‌فارس و از طرف دیگر با دریای سرخ مرتبط است اما استفاه از این آبراه‌ها مستلزم عبور از تنگه هرمز و باب‌المندب است. با توجه به اینکه ایران بر تنگه هرمز و یمن نیز بر تنگه باب المندب اشراف دارند، عربستان همواره از موقعیت آسیب‌پذیر خود نگران بوده است. تسلط انصارالله بر تنگه باب‌المندب، موجب می‌شد که هر دو تنگه استراتژیک جهان که رگ حیات آل‌سعود به آنها وابسته است و بخش اعظم صادرات نفت عربستان نیز از این دو تنگه صورت می‌گیرد، در اختیار ایران قرار بگیرد و این همان مسئله‌ای بود که عربستان به شدت از آن هراسان بوده است. با توجه به این معضل ژئوپلوتیک، عربستان در طول چند دهه گذشته همواره به دنبال تسلط بر تمام یا بخش‌هایی از یمن بوده است. مجله آمریکایی «فارین پالیسی» طی گزارشی، ضمن بررسی تحولات یمن و با اشاره به هدف اصلی عربستان در همین راستا می‌نویسد: «تنها راه پایان یافتن جنگ یمن و نابودی القاعده در این کشور، انحلال دولت و ساختارهای حکومتی این کشور است و باید تمام طرف‌های درگیر به نصیحت و خواسته «ملک عبدالعزیز»، بنیانگذار عربستان پیش از مرگش در سال ۱۹۵۳ میلادی برسند، که گفته بود، «اجازه ندهید یمن متحد شود»، پایبند باشند. استراتژی آمریکا در نهایت می‌تواند به تقسیم قدرت در یمن منجر شود. جدایی‌طلبان جنوب این را می‌خواهند و منصورهادی نیز این مسئله را ترجیح می‌دهد. امارات هم به عنوان قدرت قاطع در جنوب یمن، این گزینه را ترجیح می‌دهد. لذا یمن مسئله و مشکلی است که تنها با تجزیه، حل خواهد شد.»

دلایل شکست عربستان

بیش از ۱۰۰۰ روز از جنگ عربستان و وعده دو هفته‌ای «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی برای به نتیجه رساندن این جنگ می‌گذرد ولی هنوز خبری از پیروزی نیست. می‌توان دلایل زیادی را برای طولانی شدن جنگ و شکست عربستان ذکر کرد. نشانه‌های شکست آشکار عربستان نیز در اهداف اعلامی و اعمالی سعودی‌ها در این جنگ به وضوح قابل مشاهده است.

۱- برخی کارشناسان متمایل به عربستان و غرب در ارزیابی اولیه، بر این باور بودند به دلیل عدم توازن شدید قوا و بودجه‌های کلانی که عربستان طی دهه‌های گذشته صرف بهبود و ارتقای توان نظامی خود کرده، جنگ با یک گروه شبه‌نظامی و نابودی آن کار سختی نخواهد بود اما بر خلاف انتظارها این جنگ نه چند روز، بلکه بیش از ۱۰۰۰ روز طول کشید و هیچ یک از اهداف اعلانی عربستان در این جنگ محقق نشده است. تجاوز نظامی به فقیرترین کشور منطقه غرب آسیا از سوی ثروتمندترین کشور منطقه و جهان اسلام که سالانه میلیاردها دلار صرف خرید و ارتقای توان نظامی خود می‌کند و سپس، شکست سنگین در این جنگ نابرابر، همگان را به این واقعیت رهنمون کرد که عربستان غیر از فروش نفت و خرید جنگ‌افزار و انبار کردن آن هیچ هنر دیگری ندارد و با این همه جنگ‌افزارهای مدرن، حتی قادر نیست از پس یک کشور به لحاظ نظامی به شدت ضعیف برآید. این جنگ به وضوح ناتوانی نظامی عربستان را به همگان ثابت کرد.

۲- سعودی‌ها اعلام کرده بودند که هدف از این جنگ، ایجاد ثبات، نابودی انصارالله و حذف آن از تحولات سیاسی یمن و بازگرداندن دولت منصور هادی بر سر قدرت است. تحولات کنونی یمن نشان می‌دهد که هیچ یکی از این اهداف محقق نشده است و نه تنها منصور هادی به قدرت بازنگشته، بلکه انصارالله یمن تبدیل به یک بازیگر قدرتمند غیر قبال حذف از تحولات یمن شده است.

۳- عربستان در جنگ زمینی نیز ناکام بود و نیروهای ائتلاف و حتی مزدورانی که از سودان و برخی کشورهای فقیر به یمن آورده بود نیز چاره ساز نبود و نیروهای تحت رهبری عربستان در جنگ زمینی جدای از تلفات گسترده‌ای که متحمل شدند نتوانستند تسلط کامل خود را بر هیچ یک از مناطق مورد ادعا حتی شهر عدن پایتخت خود خوانده منصور هادی نیز تکمیل کنند.

۴- حمله به یمن آنطور که مقامات سعودی ادعا می‌کردند به منظور امنیت استان‌های مرزی عربستان با یمن صورت گرفت. اما عربستان نه تنها نتوانست انصارالله را در یمن شکست دهد، بلکه امنیت استان‌های مرزی نجران،جیزان و عسیر خود را نیز با یمن از دست داد و این استان‌ها بارها هدف موشک‌های یمنی‌ها قرار گرفتند و نیروهای جنبش انصارالله با کمین در مناطق مرزی این استان‌ها تلفات قابل توجهی نیز به نیروهای سعودی وارد کردند. عربستان که با ادعای تامین امنیت استان‌های مرزی خود وارد این جنگ شده بود حال بعد از ۱۰۰۰ روز از شروع این جنگ نابرابر به نقطه‌ای رسیده است که امنیت پایتخت و حتی کاخ ملک سلمان نیز توسط موشک‌های یمن به مخاطره افتاده و دیگر هیچ نقطه‌ای از عربستان ایمن نیست. در همین راستا هفته گذشته در هزارمین روز تجاوز ائتلاف سعودی به یمن، یگان موشکی ارتش یمن یک فروند موشک بالستیک برکان اچ ۲ به کاخ الیمامه در ریاض که مقر رسمی و دفتر سلمان شاه سعودی است شلیک کرد. اقدامی که تهدیدهای انقلابیون یمنی مبنی بر در امان نبودن کاخ‌های سعودی را محقق کرد.

۵- عربستان قبل از اینکه جنگ را در زمین ببازد جنگ را در اخلاق باخت. آل سعود که طی سال‌های گذشته با ژست خادمین حریمن شریفین و خیرخواه امت اسلامی سعی میکرد وجهه‌ای را برای خود دست و پا کند با کشتار هزاران زن و کودک یمنی نه تنها این وجهه تصنعی از بین رفت بلکه کار به جایی رسید حتی سازمان‌های مدافع حقوق بشر غربی نیز هم‌اکنون سعودی‌ها را به جنایات جنگی در یمن متهم می‌کنند و از آمریکا، انگلیس و فرانسه به دلیل فروش سلاح به این رژیم انتقاد می‌کنند. عربستان همواره خود را مدافع امت اسلامی نشان می‌داد اما تجاوز نظامی به یمن و سپس انتشار گسترده تصاویر کشتار زنان و کودکان یمنی و ادامه حملات در ماه حرام مشروعیت سنتی آل‌سعود را نیز به عنوان خادمین حرمین شریفین و عمق استراتژیک جهان اسلام از بین برد. بمباران کورکورانه مناطق مسکونی، تأسیسات زیربنایی و کارخانجات و حتی بیمارستان‌ها و مدارس و مساجد یمن به همگان ثابت کرد که آل‌سعود در ردیف رژیم صهیونیستی در کشتار زنان و کودکان مسلمان قرار داد.

تاوان مقاومت

به جرات می‌توان گفت مردم مظلوم یمن قربانیان اصلی این جنگ نابرابر هستند. جرایم ارتکابی عربستان در یمن مثل حمله به غیر نظامیان و کشتار هزاران زن و کودک و پیر و جوان، حمله به مناطق مسکونی حمله به کارخانجات مواد غذایی، حمله به مدارس،حمله به بیمارستان‌ها و مراکز آموزش بهداشتی و خدماتی، نابودی زیر ساخت‌های غیرنظامی یمن، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه صلیب سرخ جهانی به قربانیان، اعمال محاصره شدید و جلوگیری از ورود مواد غذایی به کشور و بروز قحطی شدید، استفاده از بمب‌های خوشه‌ای، فسفری و ممنوعه در جنگ که برای تک تک آنها شواهد و مدارک معتبر بین‌المللی وجود دارد مصادیقی آشکار بر ارتکاب جنایات جنگی، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو و نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی توسط دولت عربستان است. به طوری که سازمان ملل نیز در این زمینه بارها نسبت به وقع جنایات جنگی از سوی عربستان در یمن هشدار داده است.

مرکز مستقل حقوق و توسعه یمن جدیدترین آمار جنایت و ویرانگری ائتلاف تحت فرماندهی عربستان در یمن را با گذشت هزار روز از آغاز تجاوزگری به این کشور منتشر کرده که این گزارش نشان می‌دهد :شمار شهدای غیرنظامی ثبت شده در یمن تاکنون ۱۳ هزار و ۶۰۳ نفر است که ۲ هزار و ۸۸۷ نفر از آنها کودک و ۲ هزار و ۷۷ نفر دیگر از آنها زن هستند. ۸ هزار و ۶۸۹ نفر از شهدا نیز مرد هستند. براساس این گزارش، شمار زخمی‌ها نیز ۲۱ هزار و ۸۱۲ نفر است که ۲ هزار و ۷۲۲ نفر از آنها کودک، ۲ هزار و ۲۳۳ نفر از آنها زن و ۱۶ هزار و ۸۵۷ نفر از آنها مرد هستند.سازمان‌های بین‌المللی گرچه جنایت‌های صورت گرفته در یمن را در سطح جنایت‌های جنگی توصیف می‌کنند، اما هیچ اقدام عملی برای توقف فوری این جنگ از خود نشان نمی‌دهند. فرودگاه‌ها و بندرهای یمن و دیگر گذرگاه‌های ورود و خروج این کشور برای ارائه کمک‌های انسانی و غذا و دارو بسته است. گرسنگی و قحطی، یگانه مشکل مردم و کودکان یمنی نیست و آنها به دلیل تخریب گسترده زیرساخت‌های کشورشان، ازجمله تصفیه‌خانه‌های آب، به بیماری‌های مسری و کشنده‌ای مانند وبا و دیفتری مبتلا شده‌اند. روزنامه انگلیسی گاردین چند ماه پیش نوشت: «نابودی زیرساخت‌های یمن توسط بمب‌افکن‌های عربستان، بدان معنا است که ۱۴/۵ میلیون نفر از جمعیت این کشور که ۸ میلیون تن از آنها کودکان هستند، به آب تمیز و بهداشتی دسترسی ندارند» بر اساس گزارش‌ها تعداد مبتلایان به وبا از مرز یک میلیون نفر در یمن گذشته و تعداد مبتلایان به دیفتری نیز هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. شیوع بیماری‌های مختلف در این کشور در حالی است که بخش بهداشتی یمن در نتیجه بمباران بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها کاملاً از هم فروپاشیده و بیشتر مراکز بهداشتی فعالیت خود را در نتیجه فقدان دارو متوقف کرده‌اند. در حملات رژیم سعودی به یمن بالغ بر ۳۰۱ درمانگاه و بیمارستان هدف حملات مستقیم موشکی قرار گرفته‌اند و مراکزی که از موشک‌باران سعودی‌ها در امان بوده‌اند، در نتیجه فقدان دارو و ملزومات پزشکی و فقدان کادر درمانی متخصص قادر به ارائه خدمات بهداشتی به مردم یمن نیستند. مقامات صنعا گزارش داده‌اند که سعودی‌ها از وبا به عنوان سلاح بیولوژیک ضد این کشور استفاده می‌کند. آنها تأکید دارند که عربستان از طریق مسموم کردن آب‌های زیرزمینی با انتشار گاز کیمتریل در ابرها باعث تشدید این بیماری در یمن شده و با موشک باران منابع ذخیره آب شرب شهروندان و مخازن حفاری و جست‌وجوی آب شیرین، عمداً دسترسی مردم به آب آشامیدنی بهداشتی را از آنها گرفته است..سازمان ملل متحد و برنامه جهانی غذا گزارش داده‌اند که، حدود ۶۰ درصد از ساکنان یمن از گرسنگی رنج می‌برند و از ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ تاکنون به دلیل وضعیت فاجعه‌بار غذایی، حدود ۱۷ میلیون یمنی با وضعیت اورژانسی و بحران مواجهند. این گزارش با استناد به تحلیل ۶۹ کارشناس یمنی و سازمان ملل متحد و یونیسف و دیگر نهادهای غیردولتی، اضافه می‌کند : حدود ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر یمنی در مرحله سوم یا مرحله بحرانی و بیش از ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در مرحله چهارم، یعنی مرحله اورژانسی قرار دارند.» بر اساس این گزارش، در حال حاضر از مجموع ۲۲ استان یمن، ۲۰ استان این کشور از گرسنگی و قحطی رنج می‌برند و استان‌های «لَحِج، تَعز، أبین، صَعده، حجه، حدیده و شبوه»که در اختیار انصارالله هستند، در وضعیت اضطراری قراردارند. یونیسف در جدیدترین گزارش خود نیز اعلام کرده است جنگ یمن جنگ علیه کودکان است و بیش از ۱۱ میلیون کودک یمنی به دلیل شرایط ناشی از این جنگ نامشروع در بدترین شرایط به سر می‌برند. سؤال اینجاست که جامعه جهانی تا کی چشم خود را بر روی چشمان‌گریان مادران یمنی بسته نگه خواهد داشت. یمنی‌ها تاکنون ثابت کرده‌اند که در مقابل این ظلم آشکار تسلیم نشده و نخواهند شد. نشانه‌های این مقاومت دلیرانه و مظلومانه نیز تلفات گسترده‌ای است که نیروهای مقاوم یمنی روزانه به سعودی‌ها تحمیل می‌کنند.بر اساس گزارش منابع یمنی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن طی ۱۰۰۰ روز خسارت‌های بزرگ و تلفات زیادی را به ائتلاف عربستان وارد و این کشور را با اوضاع داخلی بسیار سختی روبه‌رو کردند.از جمله این خسارت‌ها و تلفات، می‌توان به موارد زیراشاره کرد، نابودی بیش از ۱۲۰۰ دستگاه‌تانک و خودروی زرهی، نابودی ۱۲ فروند بالگرد آپاچی و پنج فروند جنگنده اف۱۶ و اف۱۵ و بیش از ۲۰ پهپاد جاسوسی، هدف قرار دادن ۱۰ کشتی، ناوچه و قایق جنگی، نابودی صدها پایگاه در نجران، جیزان و عسیر، هدف قرار دادن تعداد زیادی از مراکز فرماندهی در نجران، جیزان و عسیر. یورش به ده‌ها پایگاه و سیطره بر آنها همزمان شلیک موشک به شهرهای مختلف عربستان. خسارت‌های اقتصادی متجاوزین سعودی نیز شامل موارد زیر می‌شود؛ کاهش منابع صندوق ذخیره ارزی عربستان، رسیدن کسری بودجه به ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی، صرف میلیاردها دلار در قالب کمک و هدایا برای خرید دوستان و حامیان، کاهش حجم ذخایر ارزی از ۷۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۴۳۷ میلیارد دلار پس از جنگ علیه یمن، افزایش مالیات‌ها، افزایش میزان هزینه‌های نظامی طوری که در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۸۱ میلیارد دلار رسید و به این ترتیب عربستان به سومین کشور جهان تبدیل شد که بزرگ‌ترین میزان بودجه نظامی در جهان را بعد از آمریکا و چین دارد.

در ارزیابی نهایی به نظر می‌رسد بازندگان بزرگ جنگ یمن در وهله اول سعودی‌ها هستند که نه تنها به هیچ یک از اهداف خود در این جنگ تاکنون نرسیده‌اند بلکه چیزی جز بدنامی و بی‌آبرویی و بی‌اعتباری عایدشان نشده است. در وهله دوم نیز غربی‌ها بازندگان این جنگ هستند که به خاطر منافع زودگذر مادی خود ناشی از مناسبات تجاری و نظامی با آل‌سعود چشم خود را بر تمامی جنایت‌های سعودی‌ها در این جنگ بستند.

جنگ یمن هفته گذشته هزارمین روز خود را نیز طی کرد اما از وعده پیروزی دو هفته‌ای محمد بن سلمان در این جنگ هنوز خبری نیست.

***

در حالی که آل‌سعود یکی از اهداف جنگ را تامین امنیت استان‌های مرزی خود با یمن عنوان می‌کرد امروز کاخ‌های سعودی در ریاض با اصابت موشک‌های یمنی به لرزه درآمده‌اند.

مردم مقاوم یمن ثابت کردند که نتیجه جنگ را سلاح و پول تعیین نمی‌کند بلکه ایمان راسخ مردم است که نتیجه جنگ را رقم می‌زند.

یونیسف :جنگ یمن جنگ علیه کودکان است و بیش از ۱۱ میلیون کودک یمنی به دلیل شرایط ناشی از این جنگ در بدترین شرایط به‌سر می‌برند.

***

سازمان‌های بین‌المللی گرچه جنایت‌های صورت گرفته در یمن را در سطح جنایت‌های جنگی توصیف می‌کنند، اما تا کنون هیچ اقدام عملی برای توقف فوری این جنایت‌ها از خود نشان نداده‌اند.